



صابر کسی است که شوق و کشش به طرف کمال مطلوب داشته باشد/ اثرات ایمان بر انسان

از دیدگاه امام علی(ع) به کسی صابر گفته می‌شود که شوق و کشش به طرف کمال مطلوب و رضای خداوند داشته باشد و با عوامل و موانع بازدارنده آن مبارزه کند و در این رابطه هوشیاری و آمادگی دائمی مواظب حفظ ارزش‌ها و جلوگیری از عوامل منحرف کننده مکتب باشد. صبر اولین پایه ایمان!

خبرگزاری مهر - از دیدگاه امام علی(ع) به کسی صابر گفته می‌شود که شوق و کشش به طرف کمال مطلوب و رضای خداوند داشته باشد و با عوامل و موانع بازدارنده آن مبارزه کند و در این رابطه هوشیاری و آمادگی دائمی مواظب حفظ ارزش‌ها و جلوگیری از عوامل منحرف کننده مکتب باشد. صبر اولین پایه ایمان!

171&#ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر داشته باشید و یکدیگر را به صبر وادارید و ارتباط با یکدیگر بر قرار کنید و تقوای خدا پیشه کنید شاید رستگار و پیروز شوید» (آل عمران / 200)

یکی از واژه‌هایی که همانند بسیاری از واژه‌های اسلامی دست خوش تحریف شده و از آن برداشتی غلط و استعماری کرده‌اند واژه صبر است که آنرا به معنای تحمل ناگواریها و تن به ذلت و خواری سپردن و در برابر فقر و محرومیت و ظلم و استبداد شکیبا بودن گرفته‌اند و کسانی هم که روحیه مبارزه با نابسامانی‌ها و درگیری با دشمن را ندارند این معنی را ترویج نموده‌اند. این گونه برداشت بیشتر از ضعف و ناتوانی کسانی است که دست به سینه، اسیر جریان‌ات غیر الهی شده‌اند، در صورتی که امام علی(ع) صبر را شجاعت می‌داند.

از دیدگاه قرآن و روایات صبر به معنی خویشتن‌داری، شجاعت و استقامت و سعه صدر و وسعت نظر، عفت، پاکي، قناعت و مقاومت و ثبات و اطمینان نفس در راه حق آمده است. در انتظار تحقق وعده الهی بودن، هموار نمودن ناهمواری‌ها و پشت پا زدن و مقاومت در برابر انگیزه‌های شرافین و فسادآور از ویژگی‌های صبر است، و به طور خلاصه از حدود هفتاد آیه در قرآن در مورد صبر آمده و روایاتی که در این زمینه بوده است به خوبی روشن می‌گردد که صبر چیزی جز پایداری بر اصول مکتب و مقاومت و مبارزه در راه تکامل نیست.

کاربردهای صبر

1- صبر در مقابل عجله و شتاب‌زدگی

171&#ای رسول شکیبا باش همانند شکیبایی رسولان الوالعزم و شتاب پیشه مساز» اگر قبل از رسیدن دمل به آن بیشتر وارد کنی سبب می‌شود که بدن دیرتر سالم شود و وقت و نیروی بیشتری صرف آن شود و اگر قبل از این که انقلاب مراحل رشد و پیشرفت خود را طی کند دست به عمل‌های چپ‌روانه و غیرممکن زده شود این شتاب‌زدگی موجب شکست و نابودی انقلاب و توقف آن می‌گردد.

2- صبر در مقابل حوادث ناگوار و شکنجه‌ها

انسان مؤمن به خدا ناگزیر از درگیری و مبارزه با دشمن است و با پذیرفتن این ایدئولوژی پویای اسلام و اعتقاد به اصل پایداری آن باید برای حفظ آنها با مشکلات و پیش‌آمدهای ناگوار مبارزه کنند، و در مقابل مشکلات مقاومت نماید. علی (ع) می‌فرماید: در سرگذشت مؤمنین قبل از خود تأمل و تفکر کنید ببینید چگونه در سختی و بلا بودن و از همه بیشتر بار مشکلات و تعهدات را بر دوش داشتند و فرعون‌های زمان آنها را به بندگی گرفته و به بدترین شکل شکنجه می‌کردند و هیچ راه گریز و دفاعی نداشتند وقتی خداوند مقاومت آنان را بر شکنجه‌ها در راه محبت خود و نیز تحمل آنان را بر ناگواری‌ها و به خاطر ترس از خداوند مشاهده کرد برای آنان از تنگناهای گرفتاری‌ها گشایشی قرار داد و عزت و امنیت را به جای ذلت و وحشت به آنها ارزانی داشت.

آنان به خاطر مقاومت خود زمامدارانی حاکم و پیشوایانی راهنا گردیدند و فضل و کرامت خداوند نسبت به آنان به جایی رسید که آرزوهای دور و درازشان بدانجا نرسیده بود و به راستی دروازه جنگ بین شما و بین اهل قبل(که خداوند را مسلمان می‌دانند و در حقیقت مسلمان نیستند) گشوده شده و قادر به گرفتن این پرچم نیست مگر کسی که دارای بینش درست و دارای صبر و شکیبایی بوده و آگاه بسبب به مواضع حق باشد.

امام علی(ع) در این خطبه صلاحیت مبارزه و لیاقت پیشتازی و رهبری را تنها برای افرادی که دارای ویژگی‌های فوق هستند می‌داند.

3- صبر بر طاعت و عبادت

غرائز مادي دائماً انسان را به سوي راحت طلبی و خوش گذرانی می کشاند و از انجام امور مشکل و تحمل رنج و زحمات برحذر می دارد از این جهت برای نفس آزاد و سرکش انسان اطاعت و فرمانبرداری و بندگی خداوند علیرغم کشش های مادي و طبیعی مشکل نماید و اگر نیروی ایمان و صبر و تقوا نباشد، انسان رنج و زحمت اطاعت را بر حرکت های ناشایست در ماه مبارک رمضان و پایمردی در برابر منکرات و زشتی های جامعه و مقاومت در میدان درگیری حق و باطل را راز و نیاز با خدا در نیمه های شب و مشغول داشتن دل و قلب به خداوند در طول روز پرهیز از آلودگی ها و پستی ها و حفاظت و نگهداری از اصول مکتب راستین اسلام در صحنه پیکار اندیشه ها جز با ایمان راستینی که تحقق آن در صبر است امکان پذیر نخواهد بود در انجام واجبات پایداری داشته باشید و در مقابل ناگواری ها با امام(ره) و رهبر ارتباط برقرار کنید.

با صبر و مقاومت بر پیروی و پیگیری از فرامین خدا و خودداری و پرهیز از عصیان، نعمت ها و بخشوده های خداوند را بر خود وسعت بخشید. اطاعت از خدا و قانون بندی قانون مندی عالم نعمت هایی از قبیل آزادی از استبداد، استثمار، و استقلال و رهایی از پلیدی ها را برای انسان فراهم می آورد استعدادها و نیروی نهفته در درون را شکوفا می سازد. امام علی (ع) در وصف پاک باز و مؤمن راستین می فرماید: چند روز دنیا را به شکیبایی سپری کردند و در پی آن راحت و آسایش همیشگی را دریافتند و این عملشان تجارتی سودمند است که خدایشان برای آنها فراهم کرده است. آنان خود را برای اطاعت و بندگی خداوند آماده و مهیا ساختند. خداوند هم راه سعادت و استفاده از نعمت های بی شمار را به آنها نشان داد.

4- صبر در رویارویی با انگیزه های طغیان آفرین و معصیت زنا

اسبغ از قول حضرت علی(ع) نقل می کند که امام در اهمیت و ارزش صبر و خودداری از محرمات خداوند فرمود: صبر بر دو قسم است: یکی پایداری به هنگام پیش آمدن رویدادهای ناگوار که این خود نیکو و زیباست و دیگر امساک و خودداری از انجام حرام در مواردی که موقعیت برای ارتکاب حرام مناسب است که این قسم از اولی نیکوتر و پسندیده تر است، گناه و معصیت خداوند و انحراف غرائز و طغیان آنها سرچشمه می گیرد و اگر مقاومت درونی در برابر انگیزه های فساد آفرین از قبیل روحیه قدرت طلبی، خودخواهی، ستم، انحرافات جنسی و فکری، افزون طلبی در جهت شیطان، نباشد غریزه های وجودی انسان که واقعیتهای اجتناب پذیر هستند، راه انحرافی پیمودن انسان را به بی بند و باری و تصرفات ناروا وا می دارد. این نوع صبر اهمیت ویژه ای دارد زیرا این مقاومتی اختیاری و بر خلاف خواسته و میل نفسانی است که نیازمند عزمی راسخ و تصمیمی قاطع می باشد.

شوق دومین پایه ایمان

تلاش و کوشش به جهت کمال مطلوب

اگر رفتار فرد مؤمن به خدا مورد توجه قرار گیرد عشق و شوقی شدید برای رسیدن به کمال مطلوب در وی مشاهده می شود و حتی این شور و عشق نسبت به افرادی که شوق و عشق به خداوند و فلسفه شهادت را احیا می بینند نه مرگ، با شوق و عشقی عجیب غسل شهادت می کند و نماز شهادت می خواند تا برود از چشمه حیات بنوشد و در مسیر خداگونگی قرار گیرد.

امام علی(ع) می فرماید: و به درستی که من به رسیدن و ملاقات خدا اشتیاق بسیاری دارم (منظور از ملاقات خدا، دستیابی به کمالات و صفات خدایی از طریق شهادت در جهت خدا است) و نمونه این شوق را در سوره توبه می بینیم: بر افراد ضعیف و مریض حرجی نیست که در جنگ شرکت کنند و نه بر افرادی که هنگامی که پیش تو می آیند که آنها را به میدان کارزار ببری، می گوئی وسیله ای در اختیار نداریم که شما را به میدان جنگ ببریم و برمی گردند در حالی که غمناک و محزونند و چشمانشان از اشک پر شده که چرا نتوانستند در جنگ شرکت کنند. آری آنچنان شیفته راه خدا هستند که چون می بینند راهی برای ایثار جان خویش نمی یابند، اشک غم می ریزند و این گواه شوق و میل حقیقی آنان به کمال حقیقی است.

شفق: ترس از عوامل بازدارنده و مبارزه با آنها، بدیهی است که شوق انسان در هر جهتی که باشد خواهناخواه با موانعی روبرو می شود که وی را از رسیدن به کمال مطلوب باز می دارد پس بایستی آنها را شناخت با موانعی روبرو می شود که وی را از رسیدن به کمال مطلوب باز می دارد پس بایستی آنها را شناخت و ارزیابی کرد و از آنها دوری گزید و در صورت لزوم با آنها مبارزه نمود و کسی که از آتش جهنم خوف دارد باید از محرمات (کارها و اعمالی که در جهت خیر نیستند و انسان را از خدادور می سازد) اجتناب بورزد پس می توان گفت شفق یعنی شناخت و ارزیابی عوامل بازدارنده شوق و دوری و مبارزه با آن عوامل، مؤمنین با داشتن صفت اشفاق و احتمال حمله دشمن به پیشگیری و مبارزه با آن پرداخته و قبل از آن که دشمن در کیدش موفق شود مؤمنین که او را عامل بازدارنده رسیدن به کمال مطلوب یعنی خدا می بینند با او به مبارزه برخاسته و او را شکست می دهند.

زهد: زهد به مفهوم برداشت کم برای بازدهی زیاد در جهت کمال مطلوب است زاهد مانند درختی است بیابانی که آب کمی مصرف

می‌کند ولی ساقه محکم دارد و شعله‌اش زیاد و آتش آن بادوام است امام علی(ع) می‌فرماید: «خوشا به حال زاهدان در دنیا که بر آخرت دل بسته‌اند، این گروهی هستند، که زمین را فرش و خاک آن را بستر و آب آن را شربت گوارا قرار داده‌اند.»

زهد مثبت: زاهد واقعی در اسلام کسی است که توجه و علاقه‌اش از مادیات دنیا به عنوان کمال مطلوب و بالاترین خواسته عبور کرده و متوجه کمال واقعی گشته است و هیچ موقع به مادیات اصالت نداده و از آنها به عنوان وسیله‌ای بیش استفاده نمی‌کند و به حداقل بهره‌گیری از مادیات اکتفا می‌نماید.

حضرت علی(ع) در معنای واقعی زهد می‌فرماید: زهد بین دو کلمه از قرآن قرار دارد (در دو جمله خلاصه شده است) خداوند سبحان فرمود: بر آن چه از دست شما رفت تأسف نخورید و بدان چه به شما رسید شادمان نشوید و هر کس بر گذشته اندوه نخورد و بر آینده شادمان نشد و به دو طرف زهد دست یافته است. بدیهی است که آن چه کمال مطلوب نیست آمد و رفت آن ایجاد غم و شادی بی‌اندازه نمی‌کند و اگر روزی ثروتمند و فقیر شود در زنگی او تغییری حاصل نخواهد شد همیشه زندگی و عقل او زاهدانه است. زاهد، زندگی دنیا را جاودانه نپنداشته و آرزوهای دور و دراز در سر نمی‌پروراند.

امام علی(ع) می‌فرماید: ای مردم، زهد عبارت است از، شکر و سپاس نعمت‌های خدا، پروا از انجام اعمال حرام، زاهد در بکارگیری بحث کوشاست و از فزون‌طلبی و ثروت‌اندوزی خودداری می‌کند و به پستی‌ها و ناپاکی‌ها دست نمی‌زند و بی‌اعتنایی نسبت به دنیا را عملاً پیاده می‌کند. مرحوم نراقی در معراج السعاده در معنی زهد می‌گوید: دست برداشتن از دنیا و اکتفا به آن به قدر ضرورت و استفاده کم در عین داشتن، و زاهد واقعی کسی است که از غیر خدا اعراض کند و به خدا رو آورد و این بالاترین مرحله زهد است.

زهد عوام‌فریبانه

بسیاری از افراد برای جلب نظر دیگران در اجتماع از مصرف‌های زیاد خودداری کرده و خود را زاهد قلمداد می‌کنند و زندگی واقعی آنها سراسر اسراف و زیاده‌روی است و به دنبال فرصتی هستند که با این زمینه‌سازی به موقعیتی دست یابند.

امام علی(ع) در خطبه سی و دو نهج‌البلاغه می‌فرماید: مردم به چهار دسته تقسیم می‌شوند، یک دسته از آن مردمانی هستند که خود را به زهدگرایی زده‌اند و به ظاهر لباس اهل قناعت و زهد به تن کرده‌اند و حال آنکه در واقع چنین نیستند. در مقابل این نوع زهد انحرافی، زهد علی(ع) است که در عین آمادگی زمینه و امکانات، از به دست گرفتن حکومت خودداری کرده و آن را از عطسه بز هم پست‌تر می‌شمارد.

«شما فهمیده‌اید که این دنیای شما در نزد من از آب بینی بڑی هم پست‌تر است و اگر این نبود که خداوند از علماء تعهد گرفته گرفته که به شکم‌خوارگی ظالم و گرسنگی مظلوم راضی نشوند و اگر حضور شما اتمام حجت نبود حکومت بر شما را نمی‌پذیرفتم.» در این خطبه به خوبی معلوم است که علی(ع) حکومت و پیشوای مردمی و همه امکانات را برای گرفتن حقوق مظلومان می‌پذیرد و با همه آنها ظالمانه برخورد می‌کند.

ترقب: منتظر بودن، آمادگی و هوشیاری دائمی:

ترقب از شاخه‌های صبر و از ویژگی‌های افراد مؤمن است، مؤمن نباید ساده‌اندیش و راحت‌طلب و غافل باشد که گاهی لحظه‌ای در خود فرورفتن و از دست دادن حالت ترقب با شکست و نابودی برابر است. امام علی(ع) در رابطه با طلحه و زبیر هنگام شکل‌گیری فاجعه جمل هوشیاری و آمادگی خود را این‌گونه بیان می‌دارد: «به خدا قسم من همانند کفتاری نیستم که در لانه خودم بخزم تا صیاد سر رسد و مراصید کند (غافل و بی‌خیال در خانه نمی‌نشستم و در مدینه نمی‌ماندم تا دشمن لشکر بسیج کند و به مدینه یورش بیاورد) بلکه با هوشیاری، لشکر بسیج می‌کنم و به وسیله کسانی که وفادار به حق هستند و روی به حق آورده‌اند با کسانی که پشت به حق نموده‌اند و پیمان شکسته‌اند می‌جنگم.»

نمونه‌ای از صبر همراه با ترقب را امام علی(ع) چه زیبا در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «صبر کردم همانند کسی که خار در چشم و استخوان در گلو داشته باشد، اگر خویشتن را در این موقعیت ببینم حتماً درک می‌نمایم که بایستی هر چه سریعتر و در عین حال با ظرافت و دقت بیشتر خار را از چشم و استخوان را از گلو درآوریم، زیرا هر حرکت حساب نشده‌ای موجب کور شدن و یا زخمی و چرکین شدن گلو می‌گردد. پس باید ضمن صبر کردن خار و استخوان را درآورد تا بتوان فریاد حق سر داد و ناحق را نهی نمود.

مؤمن نباید همانند کبک باشد و همچون سلطان حسین کارها را با ان‌شاءالله درست کند، بلکه باید ترقب را از کلاغ آموخت که برای این که نظارت بیشتری بر اطراف داشته باشد بر مرتفع‌ترین شاخه درخت می‌نشیند و هنگامی که انسان خم می‌شود که سنگی را از زمین بردارد و پیش از آن که انسان کمر راست کند کلاغ پرواز کرده است. ما باید آن گونه هوشیاری و ترقب داشته باشیم که قبل از

پیش آمدن هر حادثه‌اي از وقوع آن جلوگیری کنیم و با چشمان تیز بر فراز بلند هر برج دیده‌باني هر قدم ناپاک و خیانتگر ضدانقلابي را با گلوله‌اي متکي بر بصیرتشان بر زمین بدوزیم و امام علي(ع) این ترقب دائمي را در طول زندگي در رابطه با مرگ مطرح مي‌کند که: «هر کس ترقب نسبت به مرگ داشته باشد (توجه داشته باشد که هر لحظه از زندگي او که مي‌گذرد ديگر باز نمي‌گردد و مرگ هر لحظه ممکن است فرا برسد) در انجام کارهاي خير سرعت مي‌گیريد. و انجام عمل صالح را به فردا نمي‌اندازد».

و به طور خلاصه از دیدگاه امام علي(ع) به کسی صابر گفته مي‌شود که شوق و کشش به طرف کمال مطلوب و رضاي خداوند داشته باشد و با عوامل و موانع بازدارنده آن مبارزه کند و در این رابطه نیروهاي خود را به کار گیرد و از حداقل امکانات حداکثر استفاده را بنماید و با هوشیاري و آمادگي دائمي مواظب حفظ ارزش‌ها و جلوگیری از عوامل منحرف کننده مکتب باشد.

حرکت‌هايي که فاقد شوق و شفق و زهد و ترقب باشد، شکست خواهند خورد. هر گونه فعالیت و حرکتي که فاقد يکي از اصول شوق و شفق و زهد و ترقب باشد حتماً دچار شکست خواهد شد. مثلاً در جنگ بدر مسلمين هم شوق دارند و هم شفق و هم زهد و هم ترقب مقتي حرکت مي‌کنند، همه براي مرگ آماده‌اند و شوق به شهادت دارند و شفق هم دارند، حتي از دستگیرشدگان سؤال مي‌کنند روزانه چند شتر آب مصرف مي‌کنند و تعداد نفرات دشمن را از همين سؤال مي‌فهمند و زهد نيز دارند زیرا حداقل نیروها، حداکثر بهره‌برداري را مي‌نمایند ولي در جنگ احد چون در مبارزه ترقب ندارند و شوق را در جهت جمع‌آوري غنائم و فزون‌طلبي به کار مي‌گیرند، آن ضربهٔ سخت را مي‌خورند.*

منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی

جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی

اصول کافی، محمد ابن یعقوب کلینی

*نویسنده: پریش کوششی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی